

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۴ جولای ۲۰۱۲

خلقت از دیدگاه ادیان ابراهیمی

بخش چهارم

کنون بد نخواهد بود نظری به عقیده مسیحیت در باره خلقت اندازیم : در طول قرن‌ها اسطوره توراتی آفرینش برای جهان مسیحیت واقعیت انکار ناپذیری بود که منکر بودن از آن و یا تردید داشتن به آن، اتهام کفر را پی آمد داشته و کیفر مرگ را به دنبال داشت. هر مسیحی مؤمن به اجبار باید بپذیرد که دنیا ۴۰۰۴ سال پیش از میلاد مسیح آفریده شده است و تعجب نخواهیم نمود که اسقف بزرگ آیرلند «جیمز آش» در قرن هفدهم اعلان نمود که بررسی های او نشان می دهد که آفرینش دقیقاً در ساعت نه صبح دو شنبه ۲۶ اکتوبر صورت گرفته است ؟؟؟؟؟؟؟ آفرینش در دین مسیح همان است که در دین یهود . ولی مسیحیان معتقدند که آن آفرینش توسط عیسای مسیح انجام شده در باب اول انجیل یوحنا چنین آمده:

«در ابتداء کلمه بود و نزد خدا بود.

و کلمه خدا بود. همان در ابتداء نزد خدا بود . همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نمی یافت . در او حیات بود و حیات نور انسان بود و نور در تاریکی می درخشید و تاریکی آن را در نیافت. او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت و سر انجام کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد . پر از فیض و راستی . و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر.»

خلقت در دین اسلام:

در ادیان ابراهیمی همیشه و در هر کتابی وقتی صحبت از خدا پیش می آید می خوانیم:

خداوند موجودی است غالب بر همه کس و همه چیز !! و از نگاه دینی او را چنین تشریح داشته اند که او دارای لشکر های دفاعی و تعرضی (فرشته و ملائک) در مقابل موجودات دیگر و داشتن تسلیحات خداوندی بوده و بر تختی (عرش) نشسته و ملبس با ابا و قبا می باشد.... و هیچ کس را یارای مقاومت در مقابل این خداوند نیست !! و این ابلهان مذهبی با نسبت دادن قدرت های افسانه ئی به خداوند، خود باعث تراشیدن رقیب به خدا می شوند در حالی

که ادعا دارند این تنها خدا و قدرت جهانی است. همه چیز و همه هستی تسبیح او را می گویند و به عبادتش مشغول اند. در قرآن، احادیث نبوی و روایات یک تعداد نا آگاهان می خوانیم که این خدای عالم و خالق جهان گاهی هم اعلان می دارد که منم خدا و مالک همه چیز و پادشاه واقعی!! کجایند شاهان دیگر؟؟ اگر قدرتی دیگری نیست پس چرا مقایسه می نمایند؟؟ فقط به خاطر این که دنباله روان و نا آگاهان وجود خداوند را منحیث یک امپراتور فاتح و قدرتمند در جهان تبارز می دهند؟! ارادتمند شما قبلاً طی نوشتاری این مقایسه خالق را با بنده هایش به هموطنان خود تقدیم داشته‌ام!! همین به مقایسه گیری و موجودی که آن‌ها از خدا ساخته‌اند باعث می‌شود تا طرف مخالف خداوند در ضمیر انسان شکل‌گیری نماید ورنه همین گفتن خالق یکتا کفایت می‌کند به ایمان آوردن بعضی از انسان‌ها؟! خدائی که آن‌ها معرفی می‌دارند او را در صفحات کتاب‌های مقدس به پیمانۀ خیلی پائین در سطح مخلوقات و بندگان خودش به مقایسه می‌گیرد!! ایجاب تأمل و اندیشه می‌نماید!! روی همین برداشت است که مسلمانان (الله اکبر) می‌گویند. یعنی خدای بزرگتر!!!! که منظور شان خدای بزرگ نیست. ورنه الله کبیر می‌گفتند؟؟ و اکبر یعنی بزرگتر و این شکل مقایسه‌ی بی‌با خدایان دیگر را دارد!!؟

امروز مسلمانان بیشتر از دنباله روان ادیان دیگر می‌خواهند به موضوع خلقت طرح شده در قرآن شکل علمی و قابل قبول برای بشریت بدهند. لازم است آن را به دقت مطالعه و ارزیابی نمائیم تا باشد آنچه در قرآن در بارۀ خلقت گفته شده است حقایق به اصطلاح (علمی) آنها را روشنتر ببینیم. بدین ملحوظ خلقت کاینات، آسمانها، زمین، آدم، جن، شیاطین، ملائکه و..... را تا آنجائی که توان باشد جدا از هم تشریح خواهیم نمود تا در خلط شدن موضوعات رشته اصلی را از دست ندهیم و نا گفته نباید گذاشت که راجع به قیامت، بهشت و دوزخ، فرشتگان، ارواح، جن، خلقت آدم و حوا شرحی مبسوطی در نوشته‌های قبلی خدمت دوستان ارائه شده است که هنوز هم در آرشیف همین پورتال آزادگان موجود است و تکرار آن نوشته‌ها ضیاع وقت می‌باشد و در صورت لزوم البته اشاراتی به آن‌ها هم خواهیم داشت.

در قرآن بیش از ۲۵۰ آیت در بارۀ خلقت آورده شده که غرض سهولت در کار این‌ها را ردیف بندی نموده و هر بخش را به استناد آیات نازل شده در همان مورد مطالعه می‌داریم.

زمین در قرآن به هفت نام ذکر شده است ۱- فراش، ۲- قرار، ۳- رتق، ۴- بساط، ۵- مهاد، ۶- صدع، ۷- کفات سورة حجر آیت ۱۹: (و زمین را بگسترديم و در آن کوه‌های ثابتی فگندیم و همه چیز های مناسب در آن برویاندیم). سورة نحل آیت ۱۵: (و در زمین کوه‌های ثابت و محکمی افگند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهر ها و راه‌های ایجاد کرده تا هدایت یابید). سورة فصلت آیت ۹: (بگو: آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهای می‌تراشید....) سورة کهف آیت ۴۷: (به خاطر بیابور روزی را که کوه‌ها را به حرکت در آوردیم و زمین را آشکار و مسطح می‌بینی و همه آن‌ها (انسانها) را محشور می‌کنیم و احدی را فرو گذار نخواهیم کرد) سورة طه آیت ۵۳: (همان کسی که زمین را بر انداز شما کرد و در آن برای شما راه‌ها کشید و از آسمان آبی فرو فرستاد و با آن هر گونه گیاهان گوناگون در آوردیم). سورة النبأ آیات ۶ و ۷: (آیا زمین را محل آرامش قرار ندادیم و کوه‌ها را میخ های زمین).

حال که صحبت از کوه‌ها شد روایتی به نقل از کتاب بحار الانوار ملا محمد باقر مجلسی یادم آمد بد نیست آن را باهم بخوانیم. جناب شان علت وقوع زلزله را چنین تشریح می‌دهند: (امام صادق می‌فرماید: زمین دارای یک سلسله رشته‌های است که سر آن رشته‌ها در دست یک ملک در ام القراء (مکه) است. پروردگار متعال هر وقت می‌خواهد غضب کند به یک نقطه معینی، به یک جمعیت معین به آن ملک امر می‌کند که فلان رشته را تکان بده؟؟ و

فرشته مخصوص با کشیدن آن رشته باعث ایجاد زلزله می‌شود؟؟) این است آنچه ادیان و نماینده های معروف آن به ما تلقین می دارند. استدلال آن‌ها همین است. سوره رعد آیت ۳: (اوست که زمین را امتداد داد و در آن کوه‌ها و رود ها قرار داد.) و این مسأله امتداد دادن زمین را نمی دانم چه شکلی بزرگ می سازند اگر علمای فزیک من را کمک و رهنمائی نمایند ممنون خواهم شد؟؟ و در آخر آیت ۲۰ سوره عایشه کاملاً از مسطح بودن زمین آگاهی داده است که اینک متن عربی آن را با ترجمه فارسی می نویسم: (و الی الارض کیف سطحت) ترجمه فارسی (و به زمین که چگونه مسطح گشته.) همچنان در سوره کهف آیت ۸۶ شرح مسطح بودن زمین چنین بیان شده: (تا به غروب گاه خورشید رسید دید که در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می کند و در آنجا مردمی یافت گفتیم: ای ذوالقرنین: می خواهی عقوبت شان کن و می خواهی با آن‌ها به نیکی رفتار کن.) این آیت به محل غروب آفتاب اشاره داشته که نشان دهنده هموار بودن زمین است. با در نظر داشت این که خدای معرفی داشتگی اسلام موجودی است که با قلبش فکر می کند در مورد خلقت زمین به همین چند آیت عجیب قرآنی بسنده نموده و نتیجه نسبی خواهیم گرفت بر این که زمین را خداوند مسطح و هموار خلق نموده و خورشید در آخر زمین غروب می کند و این زمین (در صورت لزوم) قابلیت امتداد را هم دارد؟؟

خلقت آسمان‌ها:

در قرآن آسمان به هفت نام یاد شده است: ۱- بنا، ۲- سقف، ۳- طرائق، ۴- طباق، ۵- شداد، ۶- رثق و فثق، ۷- الدخان، که در تورات به نام های: دیناح، دیقا، رقیع، فیلون، ظلفاف، سماق، اشحاق و در روایت وهب منیه معروف بوده است و این اسامی برای مسمی در هر طبقه ای از طبقات آسمانها ست. باید توضیح داد که ریشه تعیین عدد هفت آسمان گرفته شده از همان افکار یونانیان است که از علمای اسکندریه به ارث رسیده که نه (۹) فلک را قایل بودند که هفت عدد آن‌ها (ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل) به دور زمین می چرخند و فلک هشتم جایگاه ثوابت و فلک نهم مبدأ حرکت (فلک اطلس) بوده است که این افکار از طریق فارابی و بوعلی سینا به ما رسیده است که باعث تطبیق با (سموات سبع) قرآن و عرش کرسی شد. کلمه سما (آسمان) در قرآن به صورت مفرد (السما، سما) و جمع (سموات، السموات) بیش از ۳۰۰ مرتبه به کار رفته است.

آیات قرآنی: سوره ذاریات آیت ۴۷: (ما آسمان را با دست بنا نمودیم و همانا ما آن را وسعت می بخشیم.) و احضار الله می نگارد که با دستان خود آسمانها را ساخته است؟؟ و این که به عقیده اعراب جاهل آنوقت این آسمان بدون ستون چرا نمی افتد قرآن می گوید: سوره فاطر آیت ۴۱ (همانا الله آسمانها و زمین را گرفته است تا نیفتد و اگر بیفتد بعد از او هیچ کس آن‌ها را نگاه نمی دارد اوست برد بار آمرزنده.) یعنی تنها اوست که آسمانهائی را که دارای طول، عرض، وزن و ضخامت است خلق نموده و بالا نگهداشته است تا بر سر مظلومین بشری نیفتد باید ممنون بود. مگر همین خدا نمی توانست به شکلی دیگری این آسمانها را نگهدارد؟؟؟ و همین الله که آسمان را با دستانش نگهداشته زحمت و تکلیف ابدی برای خویش ایجاد نموده است؟؟ در سوره جن آیت ۸ به خاطر تثبیت نمودن جسمی بودن آسمان از زبان اجنه می گوید: (ما جنها) آسمان را لمس نمودیم و آنجا را پر از نگهبانان توانا و تیر های از شهاب یافتیم.) باخواندن این آیت می توان به صراحت به دیده درائی و سفسطه بازی یک تعداد از دنباله روان اعراب مبنی بر این که منظور خدا و قرآن از آسمان فضاء است خندید !!! این بیچاره های بی زبان به هر چیز و هر شکلی متصل می شوند تا اگر بتوانند حد اقل با مکارگی، شارلتانی، سفسطه بازی، دروغ گویی، روایت کشیدن

و..... آبرویی برای بادران خود کسب نمایند اما نمی توانند روی آیات قرآنی و آنچه گفته است پرده اندازند؟؟ آسمانها احتیاج به محافظ دارد تا آن عالم بالا از تجاوز شیاطین و اجنه در قلمرو آسمانی الله محفوظ باشد. در سوره صافات آیات ۶ تا ۱۰ می فرماید: (ما آسمان نزدیک (پائین) را با ستارگان آراستیم - تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم - آنها نمی توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند (و هر گاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می گیرند، آن ها به شدت به عقب رانده می شوند، و برای آن ها مجازات دایم است. مگر آنهایی که در لحظه کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند که (شهاب ثاقب) آن ها را تعقیب میکند.) از این آیت به وضاحت می توان استنباط نمود که موجودیت ستارگان آسمان پائینی به علاوه که زینت زمین است وسیله ای هم است برای راندن شیاطین و اجنه تا آن ها نتوانند به سخنان فرشتگان که همه بر عبادت خداوند مشغول اند در آن بالا ها گوش دهند؟؟ سوره **رعد آیت ۲** (او الله است که آسمانها را چنان که مشاهده می کنید بدون ستون بر افراشت سپس خود را به عرش نشانید (عرش = تخت، سریر، خیمه، سایبان، سقف، کاخ- فرهنگ عمید ج ۲ ص ۱۴۳۲) و خورشید و ماه را تسخیر کرد که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند. کار هارا او تدبیر می کند ...) در این آیت توضیح می شود که خداوند بعد از خلقت آسمانهای بدون ستون خود را به تخت خود (عرش) می رساند و خورشید و ماه را که قبلاً خلق شده اند تسخیر می کند؟؟ که متن این آیت با آیت ۴۱ سوره فاطر در تضاد مطلق می باشد.

اما باید دانست که قبل از تصمیم گیری بر پیدایش کائنات و همه چیز از طرف خداوند، او دارای تختی به نام عرش بوده است. و نظر به آیاتی که قبلاً ذکرش رفت "الله" بعد از خلقت زمین و آسمانها به عرش خود که روی آبی قرار دارد، می رود. آیا یکی از این شیخکها و یا یک تن از خدمت گاران شان می تواند بگوید که این عرش ازلی است و یا این که خلق شده؟ چون باید بدانیم که اگر ازلی است، صحبت های ما از ریشه تغییر خورده و باید به این نوشته ها شکل فلسفی داد تا بتوان بعد از آن روی ازل و حادث صحبت نمود و اگر عرش خدا و آب مخلوق هستند پس معلوم می شود که مدت ها و شاید هم میلیارد ها سال این خدا بدون عرش و آب تنهای تنها بوده و کاری هم نداشته است؟؟ قرآن، محمد و همه طراحان اسلام و دنباله روان پرو پا قرص شان اشاره ای در این مورد ندارند!! . چون آنوقت صحبت بی نهایت و شروع خلقت مطرح می شود!! که تحلیل و جوابدهی در مقابل صد ها سؤال فلسفی که در این مورد وجود دارد از توان و قدرت (دانشمندان اسلامی) به دور است.

عذاب دهنده این است که تسخیر خورشید و ماه توسط این خالق ابراهیمی هم مطرح می شود. (تسخیر = رام کردن، فرمانبر دار کردن، مغلوب کردن، به کار بی مزد واداشتن. فرهنگ عمید جلد یک صفحه ۵۷۴) یعنی این که خورشید و ماه قبلاً وجود داشته و توسط کسی دیگر (خدای دیگر) خلق شده و موجود بوده است. او ماه و خورشید را تسخیر کرد یعنی در اختیار خود در آورد. باید از چنگ خالق و یا مالک دیگری رها شده باشد ورنه اگر خودش ماه و خورشید را خلق نموده باشد کلمه تسخیر بی مفهوم خواهد بود. و این موضوع را (علمای دین) روشن سازند

ختم بخش چهارم